

صور خیال

در اشعار قیصر امین پور

نسرین عمران نژاد، دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر دبیرستان‌های اردبیل

چکیده

به جای کلمه «ایماژ»، که امروز از نظر نقد ادبی و مباحث شعری مورد استفاده فراوان است، توسعه داد.

تخیل همان تصرف شاعر در طبیعت است که به آفرینش صور خیال (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) می‌انجامد که امروزه اصلی‌ترین عامل تشکل شعر، شناخته شده است؛ چنان‌که به گفته یکی از محققان معاصر، اگر خیال و صورت‌های خیال‌انگیز شاعرانه را از شعر بگیریم، شعر به نثر تبدیل می‌شود.

در این میان، شاعرانی چون قیصر امین‌پور با نوآوری در زمینه صور خیال به تصاویر مختلفی پرداخته‌اند. در واقع، امین‌پور به کمک نوعی هنجارگریزی با آفرینش ایماژهای نو خواننده شعر خود را شگفت‌زده می‌کند. در شعر این شاعر، طبیعت حضوری چشمگیر دارد؛ طبیعتی که زنده و جاری است. چشمه‌ها در شعر امین‌پور در زمزمه‌اند و موج‌ها در همهمه. برای توصیف صور خیال در اشعار این شاعر، ابتدا تعاریفی از کتب بلاغت مطرح می‌شود و سپس نمونه‌هایی از پنج دفتر شعر او با توجه به تعاریف مورد نظر بررسی می‌گردد.

تشبیه

آن است که «چیزی را به چیزی در صفتی مانند کند؛ امر اول را مشبه و دوم را مشبه‌به و صفت مشترک ما بین آن‌ها را وجه شبه، و کلمه‌ای را که دلالت بر معنی تشبیه داشته باشد ادات تشبیه گویند.» (استاد همایی، ۱۳۵۴: ۲۲۷)

امین‌پور از این صورت خیال شعری چه

صور خیال از دیرباز در حوزه ادبیات محثی مهم و درخور اعتنا بوده است. امروزه با پیشرفت و گسترش زبان‌شناسی، معنی‌شناسان آن را برای اندیشیدن و درک و شناخت مفاهیم انتزاعی به کار می‌برند. بررسی صور خیال شاعران می‌تواند ما را در شناخت شخصیت، جهان‌بینی و محیط زندگی آن‌ها یاری دهد. قیصر امین‌پور از جمله شاعران برجسته پس از انقلاب اسلامی است که در حوزه‌ها و قالب‌های مختلف شعری طبع‌آزمایی کرده است. در این مقاله سعی بر این است که صور خیال (تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز) در اشعار امین‌پور شناخته شود و به کمک آن‌ها و تحلیل بلاغی پنج دفتر شعر او اطلاعاتی درباره روحیات و جهان‌درونی این شاعران ایرانی حاصل آید.

کلیدواژه‌ها: اشعار قیصر امین‌پور، صور خیال

مقدمه

در عالم ادبیات، صور خیال بهترین وسیله برای دریافت معانی و مفاهیم مورد نظر شاعر است که در قاب کلمه‌ها و عبارتها نقش بسته‌اند. و به کمک آن‌ها می‌توان تصویر روح شاعر را دریافت.

متقدمان کلمه «خیال» را از نظر ادبی، در معنای بسیار محدودی به کار برده‌اند اما بعدها کلمات دیگری جای خیال را گرفته است. از این‌رو به سادگی می‌توان کلمه خیال را از آن مفهوم محدود بیرون آورد و



به صورت گسترده و چه فشرده، بهره‌ فراوان برده است. در تشبیهات او عناصر زیبایی طبیعت، متناسب با معنی و مضمون مورد توجه قرار گرفته‌اند. اگر چه بسامد کاربرد تشبیه در شعر او نسبت به استعاره کمتر است اما محملی برای ساختن تصویرهای شعری است. بیشتر تشبیهات از نوع حسی، تشبیه بلیغ و عقلی به حسی هستند اما تشبیه کامل در اشعار او از دیگر انواع تشبیه بیشتر است.

نمونه‌ها

لحظه‌های زندگی
مثل چشمه، مثل رود
گاه می‌جوشد ز سنگ
گاه می‌خواند سرود (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۶۵)

«از سنگ جوشیدن» به نوعی به سختی‌ها و تنگناهای زندگی اشاره دارد. «سرود خواندن» نیز حاصل خاطری شادمان است. در این تشبیه، شاعر لحظه‌های تلخ و شیرین زندگی را تصویر کرده است. و یا در این شعر (پیش از این‌ها) می‌خوانیم:

پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا/ خانه‌ای
دارد کنار ابرها
مثل قصر پادشاه قصه‌ها/ خشتی از الماس
و خشتی از طلا (همان: ۵۳۹)

مشبه در این تصویر، خانه‌ خداست، و مشبه‌به، قصر پادشاه قصه‌ها؛ وجه شبه نیز خشتی از الماس و خشتی از طلا داشتن است. از زبانش آتشی در سینه‌ها افتاد/ چشم‌ها، آینه‌هایی در میان آب/ عکس یک کودک مثل تصویری شکسته در دل آینه‌ها افتاد (همان: ۵۶۴)

مشبه: عکس یک کودک: مشبه به تصویر شکسته: وجه شبه: شکسته بودن، ادات: مثل

استعاره

«مهم‌ترین نوع مجاز، مجاز به علاقۀ شباهت است که به آن «استعاره» می‌گویند و این نوع مجاز را که در ادبیات ما مرسوم است از تشبیه نیز می‌توان بیرون آورد؛ بدین ترتیب که از جمله تشبیهی، مشبه، وجه شبه و ادات تشبیه را حذف

می‌کنیم. به نحوی که فقط مشبه به باقی بماند.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۵۷)

امین‌پور نیز از استعاره استفاده کرده است و استعاره‌های شعر او اغلب از نوع مکنیه (تشخیص^۲) اند. در بعضی مواقع، نشانه‌های مشبه محذوف اندک است و گاهی به صفر می‌رسد که کشف و درک استعاره را مشکل می‌کند. استعاره مصرحه و استعاره تبعیه نیز در اشعار او دیده می‌شود که بسامد آن‌ها نسبت به تشخیص خیلی کمتر است: ببین از چشمه می‌جوشد ترانه/ زگل‌ها می‌کشد آتش زبانه

کبوتر می‌وزد بر روی هر بام/ پرستو می‌چکد بر بام خانه (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۶۲)

کبوتر استعاره از باد، و پرستو، استعاره از باران است.

یا نمونه‌ای از کتاب «مثل چشمه، مثل رود»:

کاسهٔ شبنم به دست/ لاله می‌گیرد وضو/
بیدها گرم نماز/ بادها در های‌وهو
سرو سر خم می‌کند/ غنچه لب‌ها می‌کند
در میان شاخه‌ها باد غوغا می‌کند (همان: ۴۶۴)

«هر گاه استعاره عنادیه به قصد استهزا و ریشخند ادا شود، تهکمیه خواهد بود.» (الجارم، ۱۳۸۰: ۲۴۸)

فرزندم! رویای روشنت را/ دیگر برای
هیچ‌کس باز گو مکن - حتی برادران عزیزت
(امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰)

که منظور امین‌پور از عزیز، دشمن است.

مجاز

مجاز «به کار بردن کلمه در غیر معنای موضوع‌له است، به اعتبار علاقهای که میان دو معنی حقیقی و مجازی کلمه وجود دارد به همراه قرینه‌ای که مانع اراده معنی حقیقی می‌شود.» (الجارم، ۱۳۸۰: ۲۵۴)

خوشا اشاعۀ خورشید در بسیط زمین/
صدور نور به هر جا که آسمان تار است
(امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۴۰)

در اینجا اشاعۀ خورشید مجاز از نور خورشید است.

در اشعار امین‌پور مجاز بسامد کمتری دارد و کل مجازهای به کار رفته در اشعار

وی از شمار انگشتان دست کمتر است.

نمونه‌ها

نشاط در رگ هر کوچه می‌رود چون
خون (همان: ۴۸۳) ذکر محل (کوچه) و ارادهٔ حال که منظور مردم کوچه است.

به شوق صبح دگر، نبض روستا می‌زد.
(همان) (روستا) ذکر محل و اراده حال که منظور اهل روستاست.

باز میدان از خودش پرسید/ نوبت جولان
اسب کیست؟ (همان: ۵۶۱)

ذکر محل (میدان) و ارادهٔ حال که منظور سپاهیان است.

کنایه

«کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است ولی در اصطلاح علم بیان عبارت است از ایراد لفظ و اراده معنی غیرحقیقی آن؛ آن‌گونه که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد.» (تجلیل، ۱۳۷۶: ۸۴)

در اشعار امین‌پور تصویرهای زیبا و درخور توجهی از نوع کنایه نیز به کار رفته است. برخی از این تصویرها در زبان محاوره جاری است.

نمونه‌ها

ما لبخند استخوانی خود را/ در لابه لای
زخم نهمان کردیم/ صد سال از گار ماندیم
و زخم‌های خشک ترک خورده را/ در متن
لایه‌های نمک خوابانیدیم (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۶)

این ابیات اشاره‌ای ظریف به دو کنایه معروف دارند: استخوان لای زخم گذاشتن و نمک به زخم زدن دارد که اولی به معنی تشدید درد و دومی به معنی تازه کردن خاطرات تلخ گذشته است.

سایه‌ای شوم بر لانه افتاد/ خانهٔ جوجه‌ها
«رفت بر باد» (همان: ۴۹۸)

بر باد رفتن: کنایه از نابود شدن
چه شد خاک از خواب بیدار شد/ به خود
گفت: انگار من زنده‌ام!

دوباره شکفته است گل از گلم/ ببین بوی
گل می‌دهد خنده‌ام (همان: ۵۰۷)

گل از گل شکفتن: کنایه از شاد و سر حال

بودن ناگهان آن روزها را باد برد/ روزهایی را که گل می‌کاشتیم (همان: ۵۵۵)
گل کاشتنت: کنایه از هنرنمایی کردن، کارهای عجیب و جالب انجام دادن.
در بسیاری از کتاب‌های بیان پارادوکس و حس آمیزی را هم از عناصر خیال‌آفرین معرفی کرده‌اند که اتفاقاً این هر دو آرایه در اشعار امین‌پور رایج‌اند. حس آمیزی، آمیزش دو یا چند حس از حواس پنج‌گانه است؛ به طوری که معنایی زیبایی‌شناسانه را القا کند.

نمونه‌ها

باز آمد بوی ماه مدرسه/ بوی بازی‌های راه مدرسه/
بوی ماه مهر، ماه مهربان بوی خورشید پگاه مدرسه/ (امین‌پور: ۱۳۹۰: ۴۸۰)
چنان که می‌بینیم، در این دو بیت شاعر مواردی چون بازی‌های راه مدرسه و خورشید پگاه مدرسه را که در اصل به حوزه حس بینایی مربوط می‌شود، بوییدنی به شمار آورده است.
باز بوی باغ را خواهیم شنید/ از سرود صبحگاه مدرسه (همان: ۴۸۰)
شنیدن بوی باغ از سرود صبحگاه مدرسه، حاصل حس آمیزی است؛ چرا که سرود امری شنیدنی و در حوزه حس شنوایی است و قابل بوییدن نیست.

پارادوکس

«مهم‌ترین نوع تضاد در ادبیات پارادوکس (paradox) یا متناقض‌نماست و آن وقتی است که تضاد منجر به معنای غریب به ظاهر متناقضی شود اما این تناقضات با توجیهات عرفانی، ادبی (توسل به مجاز و استعاره) ... قابل توجیه است.» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

نمونه‌ها

دست‌های پر از خالی‌ام را/ رو به روی همه می‌تکنم (امین‌پور: ۱۳۹۰: ۵۱۱)
ترکیب «دست‌های پر از خالی» تصویری پارادوکسی و نشان‌دهنده تپه بودن دست است.

دیری است از خود، از خدا، از خلق دورم
با این همه در عین بی‌تابی صبورم
(همان: ۶۱)
به دنبال نامی که تو...
توی آشنا-ناشناس تمام‌غزل‌ها (همان: ۱۹)
صبور در عین بی‌تابی و آشنای ناآشنا پارادوکس است.

نتیجه

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که امین‌پور شاعری تصویرگر است که به نوآوری شهرت دارد و ذوق

**امین‌پور به کمک نوعی
هنجارگریزی با آفرینش
ایماژهای نو خواننده
شعر خود را شگفت‌زده
می‌کند. در شعر این
شاعر، طبیعت حضوری
چشمگیر دارد؛ طبیعی
که زنده و جاری است.
چشمه‌ها در شعر
امین‌پور در زمزمه‌اند و
موج‌ها در همهمه**

شاعری او همراه با حرفه‌اش که معلمی بوده، این توانایی را به او داده است که با انتخاب واژگان و ترکیب و تلفیق آن‌ها با نازک‌اندیشی، فضایی سرشار از ایماژها را به مخاطب القا کند. قوی‌ترین تصویرهای شعری وی را تشخیص‌ها و استعاره‌ها تشکیل می‌دهند. البته از کنایه، تشبیه، پارادوکس و حس آمیزی هم به خوبی بهره برده است. عناصر سازنده صور خیال وی شامل واژه‌هایی از عناصر طبیعی، فضای فرهنگی انقلاب و جنگ تحمیلی، داستان‌های پیامبران، آیات و احادیث، تصویر مرگ، تصویر پدیده‌های تازه، تصویر دنیای کودکی، نمادها و ... تشکیل می‌دهد.
در اشعار او استعاره بالاترین بسامد را دارد و کاربرد استعاره مکنیه (تشخیص) بیشتر از استعاره مصرحه است. نسبت تقریباً در کل پنج دفتر ایشان ۸۰ درصد استعاره مکنیه (تشخیص) ۲۰ درصد استعاره

مصرحه و بسامد تشبیه نسبت به استعاره کمتر است. تقریباً ۸۰ درصد تشبیهات بلیغ و مرکب به شکل حسی به حسی و تنها ۲۰ درصد تشبیهات غیرحسی و عقلی است. بسامد مجاز بسیار پایین است. فقط آنچه که هست مجاز مرسل و از مجموع علاقه‌های آن تنها چند علاقه مثل «محل و حال»، «کل و جزء»، «جزء و کل» و «مجاورت» کاربرد دارد. بسامد کنایه در اشعار امین‌پور کمتر از نصف تشبیه است و بیشتر از نوع مکنی‌کنه و از نوع کنایه فعل و صفت است. کنایه «فعلی» بیشتر از زبان محاوره گرفته شده است. بسامد «متناقض‌نما» و «حس آمیزی» نسبت به تشبیه، استعاره و کنایه کمتر اما نسبت به مجاز بیشتر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. آنچه ناقدان اروپایی ایماژ می‌خوانند، در حقیقت مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، رمز و گونه‌های مختلف ارائه تصاویر ذهنی می‌سازد. در اصطلاح «تصویر» و «خیال» را استاد شفیع کدکنی در کتاب «صور خیال در شعر فارسی» در برابر ایماژ فرهنگی برگزیده است.
۲. هنجارگریزی نوعی برجسته‌سازی و انحراف از زبان است که به محتوای زبان برمی‌گردد و گونه‌های نوآوری در صور خیال است که در اشعار امین‌پور نیز دیده می‌شود.
۳. مطالعه کتب «موسیقی شعر» شفیع کدکنی و «از زبان‌شناسی به ادبیات» ج ۱، کورش صفوی سودمند است.
۴. استعاره مکنیه (تشخیص) - که در آن مشبیه ذکر نمی‌شود - در اغلب موارد انسان است. غربیان آن را personification می‌گویند که در عربی و فارسی به «تشخیص» ترجمه شده است و می‌توان آن را به انسان‌وارگی، جاندار پنداری و یا جاندار انگاری و نظایر آن نیز اطلاق کرد.
۵. کنایه‌های به کار رفته در اشعار امین‌پور بیشتر از نوع محاوره‌اند؛ یعنی اصطلاحاتی اغلب قابل درک و دلنشین که از زبان مردم کوچه و بازار سرچشمه گرفته‌اند و پیچیده و دور از ذهن نیستند؛ و مانند «دم کس را دیدن» کنایه «از موافقت کسی را جلب کردن»، «هوای کسی را داشتن» کنایه از «مواظبت کردن از کسی» و «بی‌گدار به آب زدن» کنایه از «کاری را بدون فکر انجام دادن».

منابع

۱. الجارم، علی و مصطفی امین؛ البلاغه الواضحه، ترجمه ابراهیم اقبالی، نشر شیخ صفی، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۸۰
۲. امین‌پور، قیصر؛ مجموعه کامل اشعار، نشر مروارید، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۹۰
۳. تجلیل، جلیل؛ معانی و بیان، نشر دانشگاهی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۶
۴. شمیسا، سیروس؛ بیان و معانی، نشر میترا، ویراست دوم، تهران، ۱۳۹۰.
۵. شمیسا، سیروس؛ نگاهی تازه به بدیع، نشر میترا، ویراست سوم، تهران، ۱۳۸۳
۶. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، هما، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۰.